

10.30497/IFR.2021.241861.1667



20.1001.1.22518290.1400.10.2.11.8

Bi-quarterly Scientific Journal of "Islamic Finance Researches", *Research Article*,
Vol. 10, No. 2 (Serial 20), Spring & Summer 2021

Jurisprudential Principles of the Country's Banking System Interaction with Foreign and International Banks and Institutions

Mahdi khatibi*

Received: 26/05/2021

Accepted: 14/11/2021

Abstract


Today, the Central Bank and many banks in the country interact with foreign banks and international institutions. Considering that the conventional banking system is based on interest rates - that is, loan usury - and they are not obliged to observe the frameworks of Islamic law in their activities, interaction with such banks will inevitably place the bank in the vicinity of divine prohibitions, unless the mentioned interaction is defined in the framework of jurisprudential principles. For this purpose, in the present article, which has been done by analytical-descriptive method, rules and regulations of the interaction of the Central Bank and the country's banks with foreign banks and international institutions have been extracted: the rule of negating the infidels' supremacy, the prohibition of strengthening infidelity, the rule of obligation, the permission to confiscate the property of a rebellious infidel, the permission to receive usury from a rebellious infidel; and in each case, adaptations are mentioned. According to the rules and regulations, banks are also divided into several categories to pay attention to the relevant interactive rules and regulations. Finally, examples of interaction of the country's banks with foreign banks and international institutions are listed and the aforementioned rules and regulations can be effective there.

Keywords

Jurisprudential Principles; Islamic Economics; Islamic Banking; International Islamic Banking; Interaction with Foreign Banks.

JEL Classification: E59, Z12.

* Assistant Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
m.khatibi@iki.ac.ir

 0000-0003-4122-875X



https://ifr.journals.isu.ac.ir/article_75896.html





10.30497/IFR.2021.241023.1624

20.1001.1.22518290.1400.10.2.10.7

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صص. ۷۵۷-۷۸۸

مبانی فقهی تعامل نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران با بانک‌ها و نهادهای خارجی و بین‌المللی

مهدی خطیبی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

امروزه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی تعامل دارند. با توجه به آنکه نظام بانکداری متعارف بر نرخ بهره -یعنی ربای قرضی- استوار است و در فعالیت‌های خود التزامی به رعایت چارچوب‌های شریعت اسلام ندارند، تعامل با چنین بانک‌هایی الزاماً بانک را در مجاورت محرمات الهی قرار می‌دهد، مگر آنکه تعامل مزبور در چارچوب مبانی فقهی تعریف شود. بدین منظور در مقاله حاضر که به روش تحلیلی -توصیفی انجام شده، قواعد و ضوابطی برای تعامل بانک مرکزی و بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی استخراج شده است، از جمله: قاعده نفی سبیل، حرمت تقویت کفر، قاعده الزام، جواز استنقاذ مال کافر حربی، جواز دریافت ربا از کافر حربی؛ و در هر مورد نیز تطبیقاتی ذکر شده است. طبق اقتضای این قواعد و ضوابط، بانک‌ها نیز به چند دسته تقسیم شده است تا برای تعامل با هر دسته‌ای به قواعد و ضوابط مربوطه توجه شود. در پایان نیز نمونه‌هایی از تعامل بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی برشمرده شده که قواعد و ضوابط پیش‌گفته می‌تواند در نوع تعامل اثرگذار باشد.

واژگان کلیدی

مبانی فقهی؛ بانکداری اسلامی؛ بانکداری بین‌الملل اسلامی؛ تعامل با بانک‌های خارجی.

طبقه‌بندی JEL: E59, Z12

* استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

m.khatibi@iki.ac.ir

0000-0003-4122-875X



https://ifr.journals.isu.ac.ir/article_75896.html



مقدمه و بیان مسأله

امروزه در اکثر کشورهای جهان، نظام بانکداری ربوی حاکم است. بانکداری اسلامی نیز اگرچه در بیش از ۵۰ کشور جهان راه‌اندازی شده، اما فقط در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و سپس در عربستان قوانین شریعت اسلام در تمامی فعالیت بانکی اعمال شد و بهره ممنوع گردید. در بقیه کشورها بانکداری متعارف همچنان در حال فعالیت است و بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های ربوی مشغول فعالیت هستند (تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۸). در جهان کنونی که ارتباط بین دولت‌ها و ملت‌ها بسیار تنگاتنگ شده، نظام بانکی خصوصاً بانک مرکزی هر کشوری با بانک‌های خارجی و بانک‌های مرکزی سایر کشورها در تعامل است. با توجه به اینکه در اغلب کشورهای جهان - حتی در کشورهای اسلامی - نظام بانکداری ربوی حاکم است و بیشترین درآمد بانک از محل نرخ بهره و به‌طور کلی خارج از چارچوب شرعی حاصل می‌شود،^۱ تعامل بانک‌های اسلامی با چنین بانک‌هایی شبهه حرمت دارد. البته شبهه حرمت فقط به دلیل ربوی بودن نیست. بانک‌های خارجی ممکن است پروژه‌هایی را تأمین مالی کنند که از نظر اسلام فعالیت اقتصادی حرام محسوب شود؛ مثل تولید نوشیدنی‌های مست‌کننده، تولید گوشت خوک و سایر فرآورده‌های آن برای خوردن، قماربازی و تولید ابزار قمار، پورنوگرافی و تولید فیلم‌های مبتذل حرام. این فعالیت‌ها نه تنها حرام است، بلکه تأمین مالی تولید آنها نیز حرام است. بانک‌های ربوی نوعاً محدودیتی در تأمین مالی این پروژه‌ها یا ارائه خدمات بانکی به صاحبان این‌گونه مشاغل ندارند؛ این وضعیت می‌تواند روابط بین‌المللی بانک‌های ما را دچار مشکل کند. این مشکل برای آن دسته از بانک‌های ایرانی که در کشورهای غیر اسلامی شعبه دارند و با بانک‌های کشور میزبان در ارتباط هستند، ملموس‌تر است. دقیقاً مثل تعامل یک مسلمان که پایبند به مسائل شرعی است با کسی که حلال و حرام را به هم آمیخته و به هیچ قیدوبند شرعی ملتزم نیست و علم اجمالی به وجود حرام در اموال وی وجود دارد. بنابراین لازم است ابعاد فقهی چنین تعاملی ارزیابی شود تا مسئولین بانک مرکزی و سایر بانک‌های کشور نقشه فقهی تعامل با بانک‌های خارجی را در دست داشته باشند.

لازم به ذکر است تحقیق حاضر با این فرض انجام شده که در بانک‌های ایران با اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا که در سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید عملکرد خود را منطبق بر فقه امامیه کرده‌اند. البته بسیاری معتقدند بانک‌های کشور در عمل نتوانسته‌اند ربا را به صورت واقعی از سیستم بانکی حذف کنند و اعتراض مکرر مراجع معظم تقلید به عملکرد بانک‌ها شاهدی این مدعا است.^۲ لاقلاً می‌توان گفت در صورتی که یک بانک بخواهد در چارچوب مبانی فقه امامیه عمل کند، تعاملش با بانک‌های خارجی که خارج از چارچوب مزبور عمل می‌کنند، چگونه باید باشد.

۱. پیشینه تحقیق

رضوی و گلمرادی آدینه‌وند (۱۳۹۶) در کتاب «بانکداری اسلامی بین‌المللی»، مختصراً (در حد دو صفحه) به بیان اصول بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. آنها حذف ربا، نفی غرر و نفی میسر را سه اصل در بانکداری اسلامی دانسته‌اند.

رضایی برزگر (۱۳۸۹) در کتاب «عملیات بانکی بین‌المللی»، بسیاری از تعاملات بانکی در سطح بین‌الملل را گردآوری کرده است. در این اثر اگرچه به مباحث اسلامی اشاره‌ای نشده است اما زمینه‌های تعامل بانک‌های اسلامی با بانک‌های خارجی در آن قابل استفاده است.

طبق بررسی به عمل آمده این موضوع در تحقیق دیگری بررسی نشده است. پیشینه عام آن نیز تحقیقاتی است که پیرامون پول، ارز، بانکداری، بانکداری بین‌المللی و بانکداری اسلامی نگاشته شده است.

۲. مفاهیم

پیش از ورود به بحث لازم است مفهوم برخی از واژگان مورداستفاده در این تحقیق را که ممکن است تا حدودی مبهم باشند، تبیین نماییم؛ تا خللی در فهم مقصود ایجاد نشود.

۲-۱. کشورهای اسلامی و غیراسلامی

منظور از «کشور اسلامی»، کشوری است که غالب جمعیت آن را مسلمانان تشکیل دهد؛ اعم از اینکه حکومتشان اسلامی باشد یا غیر اسلامی. در مقابل، منظور از «کشور غیر اسلامی» کشوری است که اکثریت جمعیت آن را غیرمسلمانان تشکیل دهد. البته ممکن است در یک کشور غیر اسلامی شهری وجود داشته باشد که غالب جمعیت آن مسلمان باشند؛ مثل برخی از استان‌های کشور چین. یا حتی در یک کشور اسلامی جمعیت غالب برخی از شهرها را غیرمسلمانان تشکیل دهند؛ مثل برخی از شهرهای لبنان. در این صورت هر شهر حکم خاص خود را خواهد داشت و نمی‌توان براساس دین اکثریت جمعیت کشور وضعیت آن شهر را تعیین کرد.

این تقسیم‌بندی تا حدودی برگرفته از اصطلاح دارالاسلام و دارالکفر در فقه است. با این تفاوت که دو اصطلاح مزبور در مقیاس شهر کاربرد دارند؛ اما تقسیم مورد اشاره در مقیاس کشور انجام شده است. همچنین در رابطه با معیار تمایز دارالاسلام از دارالکفر اختلاف نظر وجود دارد. برخی معیار دارالاسلام را جاری بودن احکام اسلام در شهر مورد نظر می‌دانند (الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۸). برخی معیار تمایز را حکومت سیاسی و قدرت غالب دانسته‌اند (تذکره الفقهاء ط - الحدیث)، بی تا، ج ۱۷، ص ۳۵۰). برخی نیز غلبه جمعیت را ملاک دانسته‌اند (ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۰). بنابر اینکه غلبه جمعیت، معیار تمایز دارالاسلام و دارالکفر باشد، هر دو تقسیم‌بندی معیار واحد خواهند داشت.

۲-۲. کافر حربی

به حسب ارتکاز متشرعه، مسلمان کسی است که به وجود خدا، وحدانیت او، نبوت پیامبر اسلام و معاد اقرار کند (موسوی خمینی، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۴). اگر کسی یکی از این چهار مسأله را قبول نداشته باشد، خارج از دایره اسلام بوده و کافر است. برای کافر تقسیمات متعدد و بعضاً مبهمی ذکر شده که در مواردی باهم تداخل دارند. با یک فحص اجمالی تقسیم‌بندی زیر مناسب‌تر به نظر رسید:

۱- کافر معاهد: کافری که با مسلمانان عهد و پیمانی بسته است، و بر طرفین لازم است براساس آن عمل کنند. این قسم از کافر قابل تقسیم به چهار دسته است:
الف) کافر ذمی: کافری که از اهل کتاب (یهود و نصارا) باشد یا شبهه اهل کتاب بودن آنها وجود داشته باشد (مجوس) و شرایط ذمه را پذیرفته و بدان عمل کند (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

ب) کافر مستأمن: کافری است که از مسلمانان امان گرفته تا بتواند برای تجارت یا کار دیگر وارد بلاد اسلامی شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۵).

ج) کافر مصالح: گاهی مسلمانان قصد فتح سرزمینی را داشتند، ساکنان آن سرزمین برای پرهیز از جنگ با مسلمانان صلح می‌کردند؛ پیمان صلح به‌نوعی پذیرش غلبه مسلمانان بود و با آنها طبق مفاد عقد صلح برخورد می‌شد. گاهی مفاد عقد صلح آن بود که سرزمین آنها به دارالاسلام ملحق شود. در آن صورت حکومت و اداره آن سرزمین به عهده مسلمانان بود و ظواهر اسلامی مانند ممنوعیت شرب خمر و امثال آن باید در آن شهر رعایت می‌شد، در چنین شرایطی طبیعتاً عقد ذمه به‌صورت فردی بسته می‌شد. اما گاهی مفاد صلح‌نامه آن بود که سرزمین آنها در ملک خودشان باقی بماند، طبیعتاً حکومت و اداره آن سرزمین به عهده کفار بود و رعایت ظواهر اسلامی در آن لازم نبود؛ در این صورت عقد جزیه بین دولت اسلامی و دولت حاکم بر آن سرزمین بسته می‌شد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۷۵).

د) کافر مهادن: اگر بین دولت اسلامی و دولت کفر پیمان مهاده (هدنه) بسته شود به آنها کافر مهادن گفته می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۵، ص ۵۵۲). به عبارت واضح‌تر کافرانی که با مسلمانان برای مدت معینی قرارداد آتش‌بس دارند، کافر مهادن نامیده می‌شوند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۶۸). شیخ طوسی در بیان معنای این معاهده می‌گوید: «هدنه و معاهده به یک معنا هستند؛ و آن عبارت است ترک جنگ تا مدت معین، بدون آنکه عوضی ردوبدل شود.»^۳ (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰). بنابراین تعریف می‌توان گفت امروز بسیاری از کشورهای غیرمسلمان که با ما روابط سیاسی و دیپلماتیک دارند؛ کافر مهادن هستند. برخی از فقها این دسته را کافر معاهد نامیده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۱۴).

۲- کافر حربی: کافری که تحت هیچ‌یک از اقسام پیش‌گفته ننگند، کافر حربی است. لازم است ۳ نکته مهم راجع به کافر حربی مورد توجه قرار گیرد:

نکته اول: برای اطلاق عنوان حربی به کافر لازم نیست بالفعل در حال جنگ باشد، بلکه صرف تخصص کفایت می‌کند (صدر، ۱۴۳۱ق، ص. ۳۷۹).

نکته دوم: عنوان کافر حربی ممکن است منطبق بر فرد یا دولت باشد؛ همچنین جنگ یا تخصص کافر حربی ممکن است علیه کشور اسلامی یا عده‌ای از مسلمانان باشد. بارزترین مصادیق کافر حربی در زمان کنونی که به صورت دولتی به تخصص با ایران می‌پردازند، آمریکا و اسرائیل هستند. همچنین کشور میانمار که به آزار و اذیت مسلمانان مقیم آن کشور اقدام می‌کند، کافر حربی است.

نکته سوم: یکی از مراجع تقلید معاصر در پاسخ به استفتائی عنوان کافر حیادی (بی‌طرف) را هم خارج از کافر حربی دانسته و در تبیین معنای آن گفته است:

۳- قسم سوم کفاری هستند که ذمی و معاهد و حربی نیستند. آنها در حقیقت کفار بی‌طرف [حیادی] نسبت به مسلمانان هستند. قرآن نیز به آنها اشاره کرده و می‌گوید: «خداوند شما را از کسانی که با شما سر جنگ در دین ندارند و از دیارتان اخراجتان نکرده‌اند نهی نمی‌کند که به آنها نیکی کنید و عدالت پیش گیرید. خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد (ممتحنه: ۸). و در جای دیگر بعد از اشاره به کفار حربی می‌فرماید: مگر کسانی که به قومی پناه می‌برند که بین شما و آنها پیمان برقرار است. یا پیش شما می‌آیند در حالی که سخت است برایشان که با شما بجنگند یا با قوم خود بجنگند... پس اگر از شما دوری کردند و نجنبیدند و اعلام بی‌طرفی کردند خداوند برای شما نسبت به آنها راهی قرار نداده است (نساء: ۹۰) در این آیه مقصود از القاء سلم که در آیه آمده در پیش‌گرفته راه بی‌طرفی است نه پیمان صلح. چون تعبیر القاء سلم مناسب این معنا است، همچنان‌که آیه بعدی شاهد بر این موضوع است. کافر بی‌طرف جان و مال و عرضش محفوظ است (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص. ۳۱۴).

لازم به ذکر است که تعریف کافر حیادی و اخراج آن از تحت عنوان کافر حربی به‌جز دو مقاله از محققان معاصر در هیچ اثر فقهی مطرح نشده است (مهاجر میلانی، ۱۳۹۸؛ علیشاهی قلعه جوقی، ۱۳۹۲).

۲-۳. بانک اسلامی و بانک غیر اسلامی

منظور از بانک اسلامی، بانکی است که بنا دارد تمامی فعالیت‌های خود را بر ضوابط شریعت اسلام تطبیق دهد و در عمل نیز در همان راستا عمل کند. اگرچه میزان موفقیت آن صددرصد نباشد؛ مثل بانک‌های ایران، بانک اسلامی اردن، بانک اسلامی پاکستان. بانک اسلامی الزاماً در کشور اسلامی نیست؛ حتی ممکن است در کشورهای غیر اسلامی یک بانک براساس شریعت اسلام فعالیت کند. حتی لازم نیست صاحبان بانک مزبور مسلمان باشند. همان‌گونه که در آمریکا و انگلیس و فرانسه بانک‌هایی وجود دارد که براساس مبانی اسلامی عمل می‌کنند. در مقابل، بانک غیر اسلامی قرار دارد که در عمل التزامی به دستورهای اسلامی ندارد. مالکیت چنین بانکی ممکن است متعلق به مسلمانان یا غیرمسلمانان باشد.

۲-۴. بانک مسلمانان و بانک غیرمسلمانان

منظور از بانک مسلمانان، بانکی است که تمام یا بخشی از مالکیت آن متعلق به مسلمانان باشد و بانک نیز التزامی به ضوابط اسلامی نداشته باشد. از آنجاکه بانک‌های متعلق به برخی از مسلمانان احکام اسلامی را رعایت نمی‌کنند (مثل اغلب بانک‌های امارات و کویت و بحرین)، لذا اصطلاح بانک مسلمانان در مقابل بانک اسلامی استفاده شد تا نشان دهد این دسته از بانک‌ها به‌رغم اینکه متعلق به مسلمانان است اما احکام اسلامی در آنها رعایت نمی‌شود. چنین بانکی ممکن است در کشوری اسلامی یا غیر اسلامی فعالیت داشته باشد. بسیاری از بانک‌های فعال در کشورهای اسلامی از این سنخ هستند. بانک غیرمسلمانان نیز بانکی است که تمامی مالکیت آن متعلق به غیرمسلمانان باشد؛ اعم از اینکه در یک کشور اسلامی باشد یا یک کشور غیر اسلامی.

۲-۵. بانک خارجی

منظور از بانک خارجی در عنوان این مقاله بانکی است که التزامی به احکام اسلامی ندارد. بنابراین اگر در خارج از کشور بانکی وجود داشته باشد که در چارچوب فقه و شریعت فعالیت کند، تعامل با آن خارج از موضوع این مقاله است. لازم به ذکر است که اکثر قریب به اتفاق بانک‌های خارجی ملتزم به احکام شرع اسلام نیستند، لذا از عنوان بانک‌های خارجی برای اشاره به این موضوع استفاده شده است.

ممکن است برخی از بانک‌های اسلامی خارجی که در چارچوب فقه اهل سنت فعالیت می‌کند در برخی از مسائل با فقه شیعه هماهنگی نداشته باشند؛ اما این موارد اندک است و البته برای آن نیز راه‌حلی اندیشیده شده که در مباحث آتی بدان اشاره خواهد شد.

۳. ضوابط و قواعد فقهی حاکم بر تعامل با بانک‌های خارجی

مسئله تعامل با بانک‌های خارجی به‌عنوان یک فعل اختیاری، دارای حدود و قیود فراوانی است. این حدود و قیود اختصاصی به تعامل با بانک‌های خارجی ندارند و در تمامی تعاملات بانکی حتی با بانک‌های داخلی باید رعایت شوند. مثلاً اگر تعامل مالی در میان باشد و قرارداد منعقد شده مبتنی بر یکی از عقود متعارف باشد، باید واجد تمامی شروط اختصاصی آن عقد و همچنین شروط عمومی عقود باشد و اگر قرارداد مبتنی بر هیچ‌یک از عقود متعارف نباشد، بنابر اینکه عقود مستحدثه صحیح و نافذ باشند، لااقل باید واجد شرایط عمومی صحت عقود همچون قصد، رضایت و اهلیت طرفین باشد؛ همچنین نباید مشتمل بر موانع صحت همچون غرر (بنابر اینکه مانعیت غرر اختصاصی به بیع نداشته باشد) (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص. ۱۲۰)، اعانه بر اثم، یاری ظالمان، و به‌طور کلی اکل مال به باطل باشد. رعایت شروط عمومی و اختصاصی عقود در تمامی قراردادها لازم است؛ حتی اگر طرف مقابل بانک خارجی باشد. برای آگاهی از آنها می‌توان به مکاسب محرمة و سایر کتب فقهی که به بررسی عقود پرداخته‌اند، مراجعه کرد و برشماری آنها در این مجال محدود نمی‌گنجد.

آنچه در این مجال مورد توجه است، گردآوری ضوابط کلی و قواعد فقهی مختص به تعامل با بانک‌های خارجی است.

۴. قاعده نفی سبیل

با استناد به آیه «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نشا: ۱۴۱) و همچنین روایت «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۳۳۴) قاعده نفی سبیل یا نفی سلطه در فقه تأسیس شده است. طبق این قاعده هرگونه معامله و ارتباطی بین مسلمانان و کفار که موجب سبیل و علو و سلطنت کافر بر مؤمنین و مسلمین باشد، شرعاً جایز و نافذ نیست (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۹۳). همچنین احکام حکومتی که از سوی حاکم اسلامی جعل می‌شود نیز اگر منجر به علو و برتری کفار شود، فاقد اعتبار است. حتی قراردادهایی که با کفار بسته می‌شود نباید منجر به علو و سلطنت آنها شود؛ وگرنه قرارداد باطل است؛ به همین دلیل برخی از فقها این قاعده را جزء مبطلات عقود برشمرده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۳۵۲).

براساس این قاعده ولایت کافر بر مسلمان ثابت نیست؛ از این رو اگر میت مسلمان و ولی میت کافر باشد، در مواردی که اذن گرفتن از ولی لازم است، اذن کافر اعتبار ندارد. همچنین اگر میت مسلمان باشد و وارث وی کافر باشد، هیچ سهمی به او نمی‌رسد. برای کافر حقی که از جانب خداوند بر ذمه مسلمان نهاده شده باشد ثابت نیست؛ لذا خمس و زکات و کفاره به کافر نمی‌رسد؛ از این رو در مستحقین اسلام شرط شده است.^۵ فقهای که نذر و عهد و قسم فرزند را متوقف بر اذن پدر کافر نمی‌دانند، به خاطر این قاعده است. همچنین اطاعت از کافر در جایی که اگر مسلمان بود واجب بود، لازم نیست. قضاوت کافر حتی اگر مستجمع جمیع شرایط باشد، نافذ نیست. کافر نمی‌تواند متولی وقف متعلق به مسلمانان باشد. کافر بر صغیر و سفیه و مجنون ولایت ندارد. حق شفعه در صورتی که خریدار مسلمان باشد حق شفعه برای کافر ثابت نیست. کافر نمی‌تواند وصی بر مال مسلمان باشد؛ نکاح کافر با زن مسلمان ابتداً و استدامهً جایز نیست (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص. ۳۵۰-۳۵۱).

لازم به ذکر است قاعده نفی سبیل اختصاصی به کافر حربی ندارد و تمامی اقسام کفار را شامل می‌شود. حتی اگر بخشی از سهامداران بانک کفار باشند بازهم قاعده مزبور حاکم بر تعامل با چنین بانکی است.

آثار این قاعده با گستره‌ای که دارد در موضوع تعامل با بانک‌های خارجی بسیار پررنگ است. به‌عنوان مثال اگر بانک‌های خارجی متعلق به کفار باشند، اعم از اینکه حربی باشند یا غیر حربی، هم‌پیمان باشند یا فاقد پیمان، براساس قاعده نفی سبیل نباید تعامل با آن بانک‌ها و قراردادهای منعقد شده با آنها به‌گونه‌ای باشد که باعث سلطه کفار شود. حتی ممکن است برخی از شروط ضمن عقد باعث صدق سلطه کفار باشد؛ مثلاً جعل خیار فسخ به نفع بانک خارجی غیرمسلمان در متن قرارداد موجب سلطه کفار است و ممکن است بتوان گفت به استناد قاعده نفی سبیل باطل است.

۵. حرمت تقویت کفر

حرمت تقویت کفر اگرچه به‌عنوان یک قاعده مطرح نشده است و در دایره آن و معنای تقویت اختلاف نظر وجود دارد، اما اصل آن جزء مسلمات فقهی است. در روایت معروف تحف العقول آمده است: «كُلُّ بَيْعٍ ... يُقَوِّي بِهِ الْكُفْرَ وَالشِّرْكَ ... فَهُوَ حَرَامٌ مُّحَرَّمٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۴).

فقهها در مباحث حفظ کتب ضالّه و نیز فروش سلاح به دشمنان دین در صورت تقویت آنها، به این قاعده استناد کرده‌اند. البته بسیاری از فقها حرمت بیع سلاح به دشمنان را مختص زمان جنگ می‌دانند. در این صورت می‌توان با تنقیح مناط، حرمت مزبور را از بیع سلاح به هرگونه تعامل که منجر به تقویت کفار متخاصم شود، تعمیم داد. در استفتائی از مقام رهبری آمده است: «سؤال ۱۳۵۵: خرید و فروش کالاهای آمریکایی چه حکمی دارد و آیا این حکم شامل همه کشورهای غربی مثل فرانسه و انگلستان هم می‌شود؟ و آیا آن حکم مخصوص ایران است و یا در همه کشورها جاری است؟» پاسخ: «اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سرتاسر عالم،

تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به‌کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند، بدون اینکه فرقی بین کالایی با کالای دیگر و دولتی با دولت دیگر از دولت‌های کافری که دشمن اسلام و مسلمین هستند، وجود داشته باشد و این حکم هم اختصاصی به مسلمانان ایران ندارد (<https://farsi.khamenei.ir>).

در تعامل با بانک‌های خارجی این قاعده ثمره دارد. در این باره می‌توان گفت سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی اگر منجر به تقویت کفر شود، از نظر شرعی جایز نیست.

۶. قاعده الزام

قاعده الزام بیان می‌کند در مواردی که بین فقه شیعه و احکام و قوانین غیر شیعه تفاوت وجود دارد، می‌توان طرف مقابل را به پذیرش احکام مذهب خودش ملزم کرد؛ هرچند در مذهب شیعه چنان حکمی وجود نداشته باشد، یا حتی باطل باشد. نمونه روشن این قانون، صحیح دانستن سه طلاق در مجلس واحد که اهل سنت صحیح می‌دانند و درست بودن ازدواج با زن طلاق داده شده است؛ در حالی که طبق فقه شیعه چنین طلاق باطل است.

دلیل این قاعده روایات فراوانی است که در منابع حدیثی وارد شده و در آنها عباراتی همچون «الزُّمُّهُمْ بِمَا الزُّمُّوا أَنْفُسَهُمْ» (طوسی، ۱۴۰۷ق(ب)، ج ۹، ص. ۳۲۲)، و عبارت «إِنَّهُ مَنْ دَانَ بِدِينِ قَوْمٍ لَزِمَتْهُ أَحْكَامُهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص. ۷۵) آمده است. موضوع اکثر این روایات مربوط به نکاح، طلاق و ارث بوده و راجع به اهل سنت است. اما فقها با الغاء خصوصیت، قاعده را در سایر ابواب فقهی و در مورد غیرمسلمانان که دین خاصی دارند، تعمیم داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۱۶۰ و ۱۶۵ و ۱۶۶).

این قاعده در موضوع تعامل بانکی می‌تواند ثمره داشته باشد. مثلاً اگر برخی از فقهای اهل سنت برخی از اقسام ربا را حرام ندانند، گرفتن آن ربای از آنها اگرچه شرعاً حرام است، اما بعد از گرفتن، می‌توان با استناد به قاعده الزام آن را تملک کرد. شبیه این فتوا را محقق خوئی در مورد کفار ذمی صادر کرده است. ایشان به‌رغم اینکه ربای بین

مسلمان و کافی ذمی را جایز نمی‌داند و از طرفی قاعده الزام را شامل کفار نیز می‌داند، در ضمن فتاوی خود آورده است: «اظهار آن است که ربا بین مسلمان و کافر ذمی جایز نیست. اما بعد از وقوع معامله گرفتن ربا از باب قاعده الزام جایز است.» (موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۵۴).

۷. جواز استنقاذ مال کافر حربی

به لحاظ فقهی کافر حربی دشمن است و جان و مالش احترام ندارد؛ بنابراین اگر مسلمان به اموال چنین کافری دسترسی داشته باشد می‌تواند آن را تملک کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص. ۳۵). به این عمل استنقاذ گفته می‌شود. یعنی درآوردن مال از چنگ کافر حربی. تعامل با بانک‌های خارجی ممکن است که برای بانک‌های کشور درآمدی به دنبال داشته باشد. در این صورت حتی اگر قرارداد اشکال فقهی داشته باشد، تصرف در مال به دست آمده از باب استنقاذ شرعاً مجاز است. به عنوان مثال با فرض عدم مالیت بیت کوین که برخی از مراجع معظم تقلید معاصر قائل‌اند، اگر بانک اسلامی در زمینه استخراج بیت کوین فعالیت کند و بیت کوین‌های به دست آمده را به بانکی که متعلق به کفار حربی است بفروشد، مالک درآمد حاصل از این کار می‌شود.

۸. جواز دریافت ربا از کافر حربی

به‌رغم تحریم ربا، چهار مورد استثناء شده است: ربای بین پدر و فرزند، ربای بین زوجین، ربای بین عبد و مولا، ربای بین مسلمان و کافر حربی. این موارد استثناء در روایات متعددی آمده است و قریب به اتفاق فقها بدان فتوا داده‌اند. البته در مورد اخیر جواز دریافت ربا طرفینی نیست؛ فقط مسلمان می‌تواند از کافر حربی ربا بگیرد، اما نمی‌تواند به او ربا بدهد (نجفی، بی‌تا، ج ۲۳، ص. ۳۸۲). از این رو سپرده‌گذاری بانک‌ها و بانک مرکزی در بانک‌هایی که متعلق به کفار حربی است و دریافت نرخ بهره از آنها جایز است.

۹. دسته‌بندی بانک‌های خارجی

در جهان بیش از ۲۰۰ کشور وجود دارد که برخی اسلامی و برخی غیر اسلامی هستند. کشورهای غیر اسلامی اگر با ایران متخاصم باشند، کافر حربی محسوب می‌شوند؛ مثل دولت آمریکا که با ایران متخاصم است و اسرائیل که علاوه بر ایران با لبنان و فلسطین و بسیاری از کشورهای اسلامی متخاصم می‌کند. حتی اگر یک کشور غیرمسلمان با یکی از کشورهای مسلمان دیگر غیر از ایران و یا حتی با مسلمانان مقیم کشور خودش متخاصم بوزد، (مثل میانمار که با مسلمانان روهینگیا متخاصم می‌ورزد) برای ما که اهل ایران هستیم، کافر حربی محسوب می‌شود؛ مگر آنکه آن کشور غیر اسلامی با ایران معاهده داشته باشد؛ در این صورت طبق آیه قرآن رعایت معاهده مقدم است.

کشورهای غیر اسلامی که با مسلمانان متخاصم ندارند، نیز دو دسته هستند؛ برخی از آنها با ایران هم‌پیمان هستند و برخی دیگر فاقد پیمان. مثلاً چین با ایران هم‌پیمان است. طبق تقسیم‌بندی مورداشاره، این دسته کافر مهادن خواهند بود. برخی از کشورها نیز وجود دارد که فاقد هرگونه پیمان و ارتباط با ایران هستند و درعین حال خصومتی هم با ما و مسلمانان ندارند. این‌ها کافر حیادی (بی‌طرف) هستند.

کشورهای اسلامی اگر با ایران یا دیگر کشورهای اسلامی متخاصم داشته باشند (مثل عربستان)، احکام خاصی ندارند و قابل الحاق به کفار حربی نیستند.

در تمامی کشورها بانک‌های دولتی کاملاً تابع سیاست‌های دولت هستند. بانک‌های خصوصی نیز عملاً چاره‌ای ندارند و باید در چارچوب سیاست‌های کلان دولت فعالیت کنند. بنابراین هر کشوری که با مسلمانان متخاصم باشد، بانک‌های آن کشور اعم از دولتی و خصوصی متخاصم به حساب می‌آیند.

لازم به ذکر است اگر در یک کشور غیر اسلامی که با مسلمانان در تخاصم است، بانکی متعلق به مسلمانان وجود داشته باشد، حتی اگر در تخاصم با مسلمانان با دولت کفر همکاری کند، آن بانک حکم غیرمسلمان متخاصم را ندارد و محکوم به حکم کافر حربی نمی‌شود. همچنین اگر در یک کشور اسلامی که با ما در تخاصم است بانکی متعلق به غیرمسلمانان باشد، و در تخاصم با دولت مزبور همکاری کند، حکم غیرمسلمان متخاصم یعنی کافر حربی را خواهد داشت.

در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان بانک‌های متعلق به مسلمانان را براساس مذهب شیعه و سنی تقسیم‌بندی کرد. با توجه به مطالب پیش‌گفته دسته‌بندی بانک‌های خارجی به‌صورت زیر است:



شکل (۱): دسته‌بندی بانک‌های خارجی

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰. نمونه‌هایی از تعامل نظام بانکی کشور با بانک‌ها و نهادهای خارجی و بین‌المللی

تعامل بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی گاهی تحت الزام بانک مرکزی صورت می‌گیرد و بانک‌ها مکلف به انجام آن هستند. حتی بانک مرکزی نیز گاهی در برقراری یک ارتباط با بانک‌های خارجی تحت الزام دولت قرار می‌گیرد و مکلف به انجام آن است. در مواردی نیز ممکن است بانک مرکزی و یا بانک‌ها خودشان به‌صورت اختیاری اقدام به برقراری تعامل با بانک‌های خارجی کنند. در هر دو صورت رعایت ضوابط کلی و قواعد فقهی مورد اشاره لازم است. نهایت آنکه در موارد وجود الزام از ناحیه یک‌نهاد بالادستی طبیعتاً انطباق یا عدم انطباق تعامل بانک با چارچوب‌های فقهی

به نهاد بالاتر منتقل شده و از وظایف آن نهاد محسوب می‌شود. در ادامه به برخی از موارد تعامل با بانک‌های خارجی از هر دو مورد اشاره می‌شود.

۱.۱. پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف^۱ و معاهدات مرتبط با آن

از جمله موارد تعامل بانک‌ها و بانک مرکزی با بانک‌های خارجی الزامات ناشی از پیوستن به «گروه ویژه اقدام مالی»^۲ یا همان اف‌ای‌تی‌اف است. البته تصمیم راجع به پیوستن به این گروه فراتر از اختیارات بانک‌ها و بانک مرکزی و جزء اختیارات مجلس شورای اسلامی است و در صورت تصویب، بانک مرکزی و بانک‌ها مکلف به رعایت الزامات ناشی از آن هستند.

گروه ویژه اقدام مالی یک کارگروه تخصصی بین‌الدولی در درون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است که البته مستقل از آن فعالیت می‌کند. این گروه در سال ۱۹۸۹ میلادی در پاسخ به نگرانی‌های ناشی از پول‌شویی به ابتکار کشورهای گروه ۷ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا، ایتالیا و ژاپن) راه‌اندازی شد. وظیفه این گروه تدوین استانداردها و بهبود وضعیت اجرایی، تدابیر حقوقی، نظارتی و عملیاتی برای مبارزه با پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی سلاح‌های کشتار جمعی و سایر تهدیدهای مرتبط با سلامت نظام مالی بین‌الملل است.

اف‌ای‌تی‌اف دارای ۳۷ عضو است که ۳۵ عضو آن از جمع کشورهای جهان است. کمیسیون اروپایی که مانند قوه قضاییه در اتحادیه اروپا عمل می‌کند و شورای همکاری خلیج فارس دو عضو دیگر این سازمان هستند (سپهر، ۱۳۹۸، ص ۴۵). اف‌ای‌تی‌اف به جز اعضای اصلی تعداد زیادی عضو وابسته و عضو ناظر دارد (حسینی، جعفرقلیخانی و بلوردی، ۱۳۹۹، ص ۵۱).

یکی از اقدام‌های این گروه از زمان شروع فعالیت خود تدوین و انتشار توصیه‌هایی در رابطه با مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم بوده است. اولین نسخه این توصیه‌ها در سال ۱۹۹۰ میلادی منتشر شد که مشتمل بر ۴۰ توصیه بود؛ بعد از حمله یازده سپتامبر به برج‌های دوقلو یک وظیفه دیگر به دستور کارگروه اضافه شد و آن

^۱ FATF

مبارزه با تروریسم بود و به همین دلیل ۹ توصیه دیگر به توصیه‌ها اضافه شد و مجموع آنها به ۴۹ توصیه افزایش یافت.

در ایران معمولاً در کنار افای‌تی‌اف از دو مقوله سی‌اف‌تی^۱ و پالرمو نیز یاد می‌شود. به‌رغم اینکه در توصیه‌های ۴۹ گانه به این دو مقوله اشاره شده و برای پیوستن به افای‌تی‌اف ابتدا لازم است کشورها به دو معاهده سی‌اف‌تی و پالرمو ملحق شوند، اما آن دو، ماهیتی مستقل از افای‌تی‌اف دارند.

CFT مخفف (Terrorist Financing Convention) به معنی «معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم»، یک کنوانسیون بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ میلادی به‌منظور مقابله با تأمین مالی تروریسم توسط سازمان ملل متحد تصویب شده است.

پالرمو نام کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی است که در تاریخ ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در شهر پالرمو در ایتالیا به تصویب رسید و در تاریخ ۲۹ سپتامبر سال ۲۰۰۳، برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا شد و تاکنون ۱۸۰ کشور آن را پذیرفته‌اند.

توصیه شماره ۳۵ افای‌تی‌اف تسریع در اجرای کنوانسیون‌های سازمان ملل در راستای مبارزه با تروریسم (CFT) و پالرمو است.

بنابراین سی‌اف‌تی و پالرمو دو معاهده بین‌المللی هستند؛ برخلاف افای‌تی‌اف که ماهیتی بین‌الدولی دارد که چند کشور پایه‌گذار آن بوده‌اند و بقیه بدان ملحق شده‌اند.

مسئله پیوستن به سی‌اف‌تی و پالرمو مستقل از افای‌تی‌اف در دستور کار دولت و مجلس شورای اسلامی بوده است. اما از آنجاکه از توصیه‌های اصلی افای‌تی‌اف نیز پیوستن به این دو کنوانسیون است لذا موافقان و مخالفان هر سه را باهم مدنظر قرار می‌دهند.

در مورد پیوستن ایران به افای‌تی‌اف بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را خلاف مصالح ملی می‌دانند و برخی معتقدند پیوستن به آن به نفع کشور است. بخش عمده‌ای از اشکالات پیوستن به این گروه به تعامل نظام بانکی کشور با این نهاد برمی‌گردد؛ مخالفان الحاق معتقدند این الحاق مستلزم ارائه اطلاعات نظام مالی کشور و ارائه اطلاعات اشخاص به افای‌تی‌اف است. اما موافقان معتقداند افای‌تی‌اف

بیشتر به دنبال سیاست‌ها و قوانین و مقررات برای کارایی و اثربخشی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است و ارائه اطلاعات نظام مالی کشور به افای‌تی اف لازم نیست. همچنین لازم نیست اطلاعات مشتریان در اختیار آن نهاد قرار گیرد (حسینی، جعفرقلیخانی و بلوردی، ۱۳۹۹، ص. ۵۷).

مخالفان این ادعا را رد می‌کنند و مواردی از توصیه‌های ۴۹ گانه را متذکر می‌شوند که در آن اعضای نهاد ملزم شده‌اند اطلاعات افراد مشکوک را گزارش کنند (سپهر، ۱۳۹۸، ص. ۵۱).

افای‌تی اف و کنوانسیون‌های مرتبط با آن جنبه‌های فنی و حقوقی پیچیده‌ای دارند و قضاوت راجع به آنها نیازمند اظهارنظر متخصصان حقوق بین‌الملل بوده و خارج از توان نگارنده و این مجال محدود است. غرض متذکر شدن این نکته بود که در این معاهده ممکن است جنبه‌هایی وجود داشته باشد که پذیرش آنها مستلزم همکاری بانک‌های کشور با بانک‌ها و نهادهای بین‌المللی است و ممکن است منجر به سلطه آنها شود. چنین پیمانی اگر باعث سلطه شود، براساس قاعده نفی سبیل غیرقابل التزام است.

۱۲. همکاری با سوئیفت

بسیاری از دستورات پرداخت بین‌بانکی اعم از داخلی و بین‌المللی به صورت الکترونیکی فرستاده می‌شود. انتقال‌های بین‌المللی بیشتر اوقات از طریق سیستم‌های محصور ارتباطات متعلق به بانک‌های بین‌المللی تحت عنوان سوئیفت انجام می‌شود. سوئیفت شبکه جهانی بین‌بانکی جهت ارسال دستورهای پرداخت است و جایگزین روش‌های قدیمی مثل تلکس و تلگراف است. عملکرد آن چیزی شبیه شبکه شتاب در داخل کشور است. زمانی که یک انتقال مالی قرار است بین دو بانک خارجی انجام شود دستور پرداخت حاوی یک پیام از بانک اول به سوئیفت ارسال می‌شود و در صورت تأیید این دستور، سوئیفت آن را به بانک دوم ارسال می‌کند. سپس بانک دوم نیز در پیامی عکس همین مسیر را طی کرده و تراکنش انجام می‌شود. در نتیجه تمامی مبادلات جهانی در پایگاه داده‌های این پیام‌رسان ثبت شده و قابل ردیابی است.

با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در زمان اوپاما دسترسی شبکه بانکی ایران به سوئیفت محدود شد و به صفر رسید. آمریکا در دور دوم تحریم‌ها در نوامبر ۲۰۱۸ میلادی نیز همواره شرکت‌ها و نهادهای طرف معامله با ایران را از پیامدهای تنبیهی و تحریمی خود بر حذر می‌داشت. سوئیفت نیز از این قاعده مستثنا نبود. چند روز قبل از اعمال تحریم‌ها وزیر دارایی وقت آمریکا خاطرنشان کرد که سوئیفت نیز مشمول تحریم‌های آمریکا خواهد شد؛ مگر آنکه مبادلاتش فقط محدود به خریدهای بشردوستانه باشد (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹، ص ۷۱). این تهدید کارساز شد و سوئیفت تعدادی از بانک‌های ایرانی را از دسترسی به سیستم خود تعلیق کرد. به‌رغم وجود منافع فراوان در همکاری با سوئیفت توجه به مضار آن نیز می‌تواند در تصمیم‌گیری بلندمدت مسئولان بانکی مؤثر واقع شود.

پس از جریان ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا از طریق وزارت خزانه‌داری این کشور و در قالب برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم عملاً مجوز دسترسی به اطلاعات مالی مردم در کشورهای جهان در سوئیفت و جاسوسی از آن را این نهاد دریافت نمود. این مجوز در کنار انتقال انبوه داده‌های سوئیفت به آمریکا امکان جاسوسی مالی را برای این کشور فراهم کرده است. به همین دلیل کمیسیون اتحادیه اروپا جهت جلوگیری از انتقال انبوه داده‌های سوئیفت به آمریکا برای شناسایی تأمین مالی تروریسم، اقدام به ایجاد برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم مختص خود تحت عنوان TFTS نمود تا ابتدا داده‌های مالی سوئیفت را تجزیه تحلیل کند و سپس اطلاعات موردنیاز آمریکا را ارائه دهد. حقیقت ماجرا این بود که چون در قالب برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم آمریکا امکان فنی تفکیک داده‌های خاصی از سوئیفت وجود نداشت لذا داده‌های مالی افراد اروپایی به‌صورت انبوه به آمریکا منتقل می‌شد تا موردبررسی قرار گیرد. این در حالی بود که نیاز به ارسال تمام داده‌های اشخاص اروپایی وجود نداشت؛ چون اکثریت اشخاص اروپایی درگیر مسأله تروریسم نبودند. البته اروپایی فقط به راه‌اندازی TFTS اکتفا نکردند و پیام‌رسان مالی اروپایی SEPA را که یک پیام‌رسان جایگزین سوئیفت و مبتنی بر ارز یورو است، راه‌اندازی کردند. طبق توافق داده‌های ارسالی به آمریکا محدود به پیام‌رسان سوئیفت شد و شامل SEPA نمی‌شد (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹، ص ۷۲).

بعد از بحران اوکراین و الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه، احتمال تحریم روسیه و منع دسترسی بانک‌های آن کشور به سوئیفت تقویت شد؛ از این رو روس‌ها اقدام به راه‌اندازی یک شبکه پیام‌رسان مستقل بر پایه فناوری بلاکچین کردند تا از خود در برابر گزند تحریم‌های سوئیفت محافظت کنند.

چین و هند نیز سامانه‌هایی مستقل راه‌اندازی کرده‌اند تا به نحوی از درز اطلاعات مالی خود جلوگیری کنند (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹، ص. ۷۴).

پس از جریان ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا از طریق وزارت خزانه‌داری این کشور و در قالب برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم عملاً مجوز دسترسی به اطلاعات مالی مردم در کشورهای جهان در سوئیفت و جاسوسی از آن را این نهاد دریافت نمود. پیش از سال ۱۳۹۰ سوئیفت به آمریکا کمک کرد تا این کشور بتواند تمام جریان مالی ایران را شناسایی کند و آنها را تحریم نماید.

این وضعیت می‌تواند زنگ خطری برای امنیت ملی کشور باشد؛ خصوصاً آنکه محل استقرار سرورهای سوئیفت نیز آمریکا و اروپا است و امکان همه‌نوع استفاده از اطلاعات این نهاد هم برای آمریکا و اروپا وجود دارد. درز اطلاعات دانشمندان هسته‌ای از آژانس انرژی اتمی که به ترور و شهادت آنها ختم شد، تجربه تلخی در رابطه با در اختیار قرار دادن اطلاعات به نهادهای بین‌المللی است؛ که می‌تواند در اطلاعات مالی کشور به مراتب خطرناک‌تر باشد.

به نظر می‌رسد راه چاره در بلندمدت راه‌اندازی شبکه‌ای مستقل در این رابطه است. چون اصطلاح سوئیفت به دو معنا به کار می‌رود. طبق معنای اول سوئیفت مجموعه‌ای از استانداردها و پروتکل‌هایی است که زبان مشترک مالی را بین مؤسسات پولی و بانکی و مالی صرف‌نظر از هویت ملی و زبان اصلی آنها تشکیل می‌دهد و مفاهیم یکسانی را تعریف می‌کند. دوم اینکه زیرساخت‌های لازم برای تبادل پیام‌ها فراهم می‌کند. در زمان تحریم‌ها و قطع ارتباط اکثر بانک‌های ایرانی با شبکه سوئیفت بانک مرکزی سامانه سپام را به‌عنوان جایگزین سوئیفت شبیه‌سازی کرد و تا حدی منطبق با استانداردهای آن بود و بانک‌های ایرانی توانستند با طرف‌های مقابل از طریق آن ارتباط برقرار کنند. اما بعد از رفع تحریم‌های دوره اول چندان مورد توجه قرار نگرفت و با این تلقی که دوران

تحریم به پایان رسیده نسبت به تقویت و توسعه آن سهل‌انگاری شد (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹، ص. ۷۲). بانک مرکزی می‌تواند با تقویت آن سامانه و تکمیل و بروز رسانی آن به تدریج خود را از زیر سلطه نظام بین‌الملل برهاند. چون چنین سلطه‌ای طبق قاعده نفی سبیل باید شکسته شود.

۱۳. اجرای توصیه‌های کمیته نظارت بانکی بال

کمیته بال زیرمجموعه بانک تسویه بین‌المللی^۹ است و دبیرخانه آن در شهر بال سوئیس قرار دارد. کمیته بال در پاسخ به یک ضرورت جهانی برای همکاری در زمینه نظارت بانکی و از جمله ارائه رهنمودها و توصیه‌های نظارتی، ترغیب همگرایی در استفاده از استانداردها و شیوه‌های نظارت بانکی در کشورهای عضو و دیگر کشورهای علاقه‌مند، باهدف تأمین سلامت و ایمنی بخش بانکی به وجود آمد. کمیته بال هر ساله به‌طور منظم چهار بار تشکیل جلسه می‌دهد و ۲۵ گروه کاری تخصصی آن‌هم جلسات منظمی دارند. جلسات کمیته معمولاً در محل بانک تسویه بین‌المللی (مقر دائمی دبیرخانه) برگزار می‌شود.

در حال حاضر اعضای این کمیته را کارشناسان ارشد نظارت بانکی از کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان، اسپانیا و ایالات متحده آمریکا تشکیل داده‌اند و بانک‌های مرکزی یا نهادهای رسمی مسئول در امر نظارت، نمایندگی کشورهای مزبور را در کمیته به عهده دارند.

کمیته بال به‌رغم برخورداری از تخصص و تجارب کارشناسان ارشد کشورهای پیش‌رو در صنعت بانکداری، فاقد هرگونه اقتدار رسمی فراملی در امر نظارت بانکی است و نتایج کار و دستاوردهای آن به‌هیچ‌وجه الزام قانونی برای کشورها ایجاد نمی‌کند. به‌بیان‌دیگر، این کمیته تنها استانداردها و رهنمودهای نظارتی را تدوین کرده و بهترین شیوه عملیاتی کردن آنها را به کشورها توصیه می‌کند و انتظار دارد مقامات نظارتی کشورها براساس صلاحدید خود در مورد اجرا کردن استانداردها و رهنمودهای نظارتی آن در چارچوب قوانین و مقررات و سیستم نظارتی بانک داخلی خود تصمیم‌گیری کنند.

به‌رغم غیر الزامی بودن استانداردها و رهنمودهای کمیته توصیه‌های نظارتی این کمیته به شدت مورد حمایت سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است.

یکی از اهداف مهم کمیته بال، ایجاد پوشش نظارتی بر بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی است که دو اصل اساسی زیر را دنبال می‌کند:

- (۱) هیچ نهاد بانکی خارجی از نظارت مستثنا نباشد.
- (۲) نظارت باید در سطح مناسب و مطلوب صورت گیرد.

در راستای تحقق دو اصل اساسی فوق، کمیته بال از سال ۱۹۷۵ میلادی به بعد، مجموعه‌های مفصلی از اسناد را انتشار داده است. این کمیته در سال ۱۹۸۸ تصمیم به ارائه شیوه‌ای برای اندازه‌گیری سرمایه بانک‌ها تحت عنوان توافقنامه سرمایه بال^{۱۰} گرفت. این شیوه محاسبه، چارچوبی را برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری فراهم ساخت و براساس آن کشورهای عضو موظف شدند تا پایان سال ۱۹۹۲، نسبت کفایت سرمایه حداقل ۸ درصد را به اجرا گذارند. از سال ۱۹۹۸ چارچوب یادشده به‌طور فزاینده‌ای نه‌تنها در کشورهای عضو، بلکه تقریباً در تمامی کشورهایی که در سطح بین‌المللی فعالیت بانکداری دارند به اجرا گذاشته شد.

در طی چند سال گذشته، کمیته بال تلاش‌های زیادی را در جهت ارتقاء استانداردهای مطلوب و صحیح نظارتی در سطح بین‌المللی به عمل آورده و با همکاری نزدیک مقامات نظارتی کشورهای گروه ۱۰ در سال ۱۹۹۷ میلادی، «اصول محوری نظارت بانکی مؤثر»^{۱۱} را تهیه کرد که ضمن آن، یک طرح جامع برای سیستم نظارت کارا و مؤثر ارائه شده‌است. پس‌از آن کمیته در جهت تسهیل اجرا و ارزیابی اصول یادشده در اکتبر سال ۱۹۹۹ روش اجرای اصول^{۱۲} را منتشر کرد.

علاوه‌بر این کمیته بال به خاطر جلب‌نظر و برقراری ارتباط با تعداد بیشتری از کشورها در خصوص مسائل نظارتی که از طریق کمیته دنبال می‌شود، همواره تماس و همکاری بین اعضا با مقامات نظارت بانکی سایر کشورها را ترغیب کرده است و گزارش‌های منتشرشده و منتشرنشده خود را برای مقامات نظارتی تمامی کشورهای

جهان ارسال می‌دارد. در موارد بسیاری نیز مشاهده شده است که مقامات نظارتی کشورهای غیر عضو، مقتضی دانسته‌اند که با کمیته بال همکاری و روابط نزدیک داشته باشند. این تماس‌ها از طریق کنفرانس بین‌المللی بازرسان بانک‌ها^{۱۳} که هر ۲ سال برگزار می‌شود، دوام و قوام بیشتری یافته است.^{۱۴}

کمیته بال تاکنون سه توافق‌نامه منتشر کرده است توافق‌نامه بال یک در سال ۱۹۹۷ میلادی انتشار یافت و مشتمل بر ۲۵ اصل بود. در سال ۲۰۰۶ توافق‌نامه بال دو منتشر شد و در نهایت در سال ۲۰۱۲ بعد از بحران‌های سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ با افزودن ۴ اصل تعداد اصول آن به ۲۹ رسید. هیأت خدمات مالی اسلامی^{۱۵} مستقر در کشور مالزی مسئولیت تطبیق مقررات کمیته مذکور برای بانک‌ها و مؤسسات اسلامی را برعهده گرفته و در چارچوب مجموعه مقررات و الزامات بال ۳ را برای بانک‌های اسلامی تدوین کرده است. در برخی از تحقیقات منتشرشده از سوی بانک‌های کشور با نگاهی خوش‌بینانه به این اصول نگریسته شده و بر اجرای کامل این اصول تأکید شده است؛ بدون آنکه اشاره‌ای به تطابق آن با اصول و مبانی فقهی شده باشد.^{۱۶} بانک مرکزی نیز به‌صورت گزینشی به ترجمه و انتشار این اصول پرداخته و در دستورالعمل‌های خود اصول نظارتی کمیته بال را در نظر دارد.^{۱۷} درحالی‌که چنین توافق‌نامه‌ای نیاز به بررسی دقیق فقهی براساس مبانی فقهی پیش‌گفته دارد تا از عدم مخالفت آن با مبانی فقه امامیه اطمینان حاصل شود. البته در زمینه تحقیقاتی انجام‌شده اما هنوز قانع‌کننده نیست (رضوی و گل‌مردادی آدینه‌وند، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۸؛ رئیسی دهکردی و شاهباز، ۱۳۹۴).

۱۴. اجرای مفاد اعتبار اسنادی (LC)

یکی از معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین راه‌ها برای انجام پرداخت‌های مالی در تجارت بین‌الملل، استفاده از اعتبار اسنادی (LC) است.

واژه LC که مخفف عبارت Letter of Credit است و به‌صورت اعتبار اسنادی یا اعتبارنامه در زبان فارسی ترجمه شده است. در تعریف اعتبار اسنادی گفته شده است: «اعتبار اسنادی ترتیبی است که به‌موجب آن یک بانک بنا بر درخواست و دستور خریدار، بانک دیگری را مجاز می‌کند تا چنانچه در خلال مدت معینی فروشنده اسناد

حمل کالای سفارشی خریدار را طبق شرایط مندرج در اعتبارنامه به آن بانک تسلیم کرد حداکثر تا میزان اعتبار مشخص شده به او پرداخت و یا تعهد پرداخت کند و بعداً پرداخت نماید؛ سپس اسناد مزبور را برای واگذاری به خریدار برای بانک دستوردهنده ارسال کند» (رضایی برزگر، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰). به زبان ساده اعتبار اسنادی ابزاری است که با استفاده از آن خریداران کالا و خدمات می‌توانند وجه مورد توافق را به فروشندگان بپردازد. به این منظور خریدار به بانکی در کشور خود که گشاینده اعتبار نامیده می‌شود مراجعه می‌کند و پس از اخذ مجوزهای لازم و تودیع وثایق لازم از بانک درخواست می‌کند که در صورت دریافت اسناد مشخصی خصوصاً اسناد حمل و تحویل کالا وجه مربوطه را به فروشنده پرداخت کند. سپس بانک یک سند به فروشنده و یک سند به خریدار کالا ارسال می‌کند و در آنها تمامی جزئیات اعتبار اسنادی را بیان می‌کند. در مرحله بعد بانک گشاینده اعتبار با برقراری ارتباط با یک بانک در کشور فروشنده که بانک ابلاغ کننده نامیده می‌شود و مورد اعتماد فروشنده بوده یا فروشنده در آن حساب دارد، مقدمات کار را تکمیل می‌کند. بعد از تکمیل فرایند گشایش اعتبار چنانچه فروشنده اسناد مشخص شده را به بانک گشاینده اعتبار تحویل دهد، وی به بانک ابلاغ کننده اعلام می‌کند وجه مربوطه را به فروشنده بپردازد. سپس بانک اصلی وجه مزبور را به بانک ابلاغ کننده پرداخت می‌کند و معادل آن را از حساب خریدار کم می‌کند و اگر خریدار مبلغی در حساب نداشته باشد معادل مبلغ پرداخت شده را در ردیف دیون مشتری ثبت می‌کند.

در مورد رابطه بانک گشاینده اعتبار با خریدار مباحث فقهی متعددی همچون تحلیل کارمزد بانک، تأخیر خریدار در واریز ثمن کالا، مبادله پول محلی به پول بین‌المللی و مسائل دیگر مطرح است و در برخی از کتب فقهی معاصر به بحث گذاشته شده است (فیاض کابلی، ۱۴۲۶ق، ص. ۳۲۰)؛ اما آنچه در این تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد رابطه بانک گشاینده اعتبار به عنوان بانک ایرانی با بانک ابلاغ کننده به عنوان بانک خارجی است. چنانچه بانک گشاینده امر به پرداخت مبلغ اعتبار کند و در واریز مبلغ به حساب آن بانک تأخیر داشته باشد، پرداخت هرگونه اضافه‌ای از نظر شرعی

حرام و مصداق ربا است. بنابراین توافقنامه به گونه‌ای باید باشد که بانک گشاینده اعتبار مهلت کافی و حتی احتیاطی برای واریز وجه به حساب بانک ابلاغ کننده را داشته باشد.

۱۵. استفاده از فاینانس (تأمین مالی خارجی)

فاینانس عبارت است از تأمین سرمایه مالی برای اشخاص حقیقی و حقوقی برای پیشبرد و اجرای طرح‌های تولیدی، بازرگانی، خدماتی به صورت میان‌مدت (رضایی برزگر، ۱۳۸۹، ص. ۴۱۰).

تأمین مالی از بانک‌های خارجی معمولاً در قالب وام و به صورت قرض همراه با بهره است. با توجه به مبانی پیش‌گفته حتی اگر بانک‌های خارجی متعلق به کفار باشد، گرفتن وام با بهره از آنها جایز نیست. چون آنچه از حرمت ربا استثناء شده گرفتن ربا از کافر حربی است نه دادن ربا.

البته دریافت وام از بانک‌های خارجی همیشه ربوی نیست. مثلاً بانک توسعه اسلامی وام‌هایی در قالب عقود اسلامی مثل اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی اعطا می‌کند (میرجلیلی، ۱۳۸۹).

۱۶. سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی

به‌رغم آنکه گرفتن ربا از کافر حربی جایز است، اما کافر حربی شمردن کشورهایی که با کشور ما خصومت ندارند و در تعریف پیش‌گفته تحت عنوان کافر حیادی (بی‌طرف) جای گرفتند اندکی دشوار است. بنابراین لازم است بانک‌ها در این زمینه با استناد به فتوای ولی فقیه عمل کنند تا عملشان مستند به فتوای فقیه باشد.

البته سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی از جهت دیگری نیز جای بررسی دارد و آن تقویت جبهه کفر است. چون به لحاظ اقتصادی در امر سپرده‌گذاری اگرچه ممکن است منافعی به سپرده‌گذار برسد اما قطعاً منافع سپرده پذیر بیشتر است. بنابراین سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی اگر به مقدار قابل توجه باشد ممکن است منجر به تقویت کفر شود؛ این مسأله کمتر مورد توجه قرار گرفته است در حالی که اهمیت بالایی دارد. اگر بانک سپرده‌پذیر متعلق به مسلمانان باشد، دریافت ربا از آنها جایز نیست. مگر آنکه به لحاظ فقهی معتقد به جواز درصد خاصی از ربا باشند؛ در این صورت اگرچه

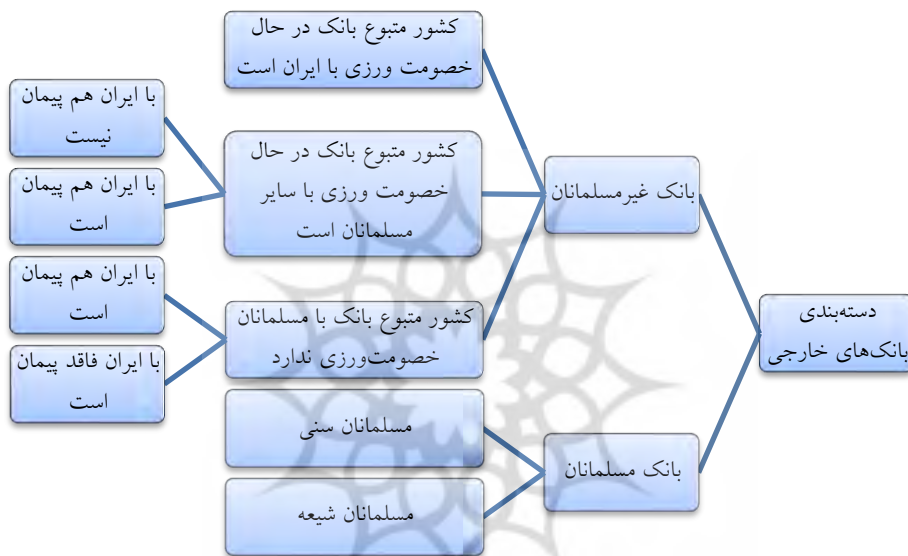
گرفتن ربا از آنها جایز نیست اما اگر دریافت شود از باب قاعده الزام بانک مالک آن می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وجود تفاوت اساسی بین بانکداری اسلامی و بانکداری غیر اسلامی تعامل آن دو را با مشکل مواجه می‌کند. طبق بانکداری اسلامی نرخ بهره حرام است و معاملات بانکی باید در چارچوب ضوابط شرع انجام شود؛ درحالی‌که اساس بانکداری غیر اسلامی بر نرخ بهره استوار است و نهایت ضوابط حاکم بر آن حقوق بین‌الملل است. بنابراین تعامل بانک‌های کشور با بانک‌های خارجی برای احتراز از حرام بسیار دشوار است. در این تحقیق سعی بر آن بود که ضوابط کلی و قواعد فقهی حاکم بر چنین تعاملی تبیین شود تا نقشه راه بانک‌ها در روابط بین‌الملل مشخص شود. البته در این میان بانک‌های خارجی حکم یکسانی ندارند. بسته به اینکه بانک مزبور متعلق به کفار حربی باشد یا غیر حربی و حتی اگر بانک اسلامی باشد اما متعلق به اهل سنت باشد که دیدگاه‌های فقهی آنها مخالف مبانی فقه امامیه باشد، تعامل با آنها تحت قاعده الزام تا حدودی امکان‌پذیر است. به‌صورت کلی تعامل با بانک‌های متعلق به کفار چه در کشور اسلامی باشند و چه در کشور غیر اسلامی، تحت سیطره قاعده نفی‌سییل است؛ تعامل با این دسته از بانک‌ها نباید به‌گونه‌ای باشد که سلطه کفار بر مسلمانان تلقی شود.

در تعامل با بانک‌های خارجی باید به این حکم نیز توجه شود که تقویت کفر حرام است؛ بنابراین اگر تعاملی باعث تقویت کفر شود، خصوصاً کفاری که با مسلمانان تخاصم دارند، چنین تعاملی شرعاً مجاز نیست. حتی اگر به لحاظ اولیه مخالف شرع نباشد. قاعده بعدی قاعده الزام است. طبق قاعده الزام در مواردی که بین فقه شیعه و احکام و قوانین غیر شیعه تفاوت وجود دارد، می‌توان طرف مقابل را به پذیرش احکام مذهب خودش ملزم کرد؛ هرچند در مذهب شیعه چنان حکمی وجود نداشته باشد. لازم به ذکر است جریان قاعده الزام اختصاصی به اهل سنت ندارد و در مورد همه ادیان و مذاهب اسلامی ثابت است.

از جمله ضوابط کلی که می‌تواند در تعامل با بانک‌های خارجی مؤثر باشد جواز استنفاذ مال کافر حربی و جواز دریافت ربا از وی است. با توجه به قواعد فوق لازم است بانک‌های خارجی را به صورت زیر دسته‌هایی تقسیم کرد:



شکل (۲): دسته‌بندی بانک‌های خارجی

منبع: یافته‌های تحقیق

نمونه‌هایی از تعامل بانک‌های کشورهای با بانک‌های که می‌تواند از قواعد فقهی و ضوابط کلی مورد اشاره تأثیر بپذیرند عبارت‌اند از:

- ✓ پیوستن به FATF و معاهدات مرتبط با آن؛
- ✓ همکاری با سوئیفت؛
- ✓ همکاری با کمیته نظارت بانکی بال؛
- ✓ اعتبار اسنادی؛
- ✓ استفاده از فاینانس؛

✓ سپرده‌گذار در بانک‌های خارجی.

پیشنهادات پژوهشی

همان‌گونه که مرور پیشینه تحقیق حاضر نشان می‌دهد بانکداری بین‌الملل و تعامل بانکداری بدون ربا با بانک‌های خارجی از منظر فقهی مورد توجه واقع نشده است. تلاش شهید صدر در کتاب البنك اللاربوی گام بزرگی بود که تکلیف بانکداری بدون ربا را در جامعه اسلامی روشن کرد؛ اما آنچه که امروز بیش از گذشته خلأ آن محسوس است تحلیل فقهی ارتباط بانکداری بدون ربا با بانک‌های خارجی است که نوعاً عملکرد ربوی دارند. همچنین توصیه‌های کمیته بال و مفاد افای‌تی‌اف تاکنون با نگاه فقهی بررسی نشده است. تحقیق حاضر فقط درآمدی بر این مباحث بود و قعطا سخن نهایی در این مسائل نیست. شایسته است فقیهان زبردست این عرصه را با علم و دانش خود بارور سازند و ظرفیت‌های جدیدی را پیش روی بانکداری اسلامی قرار دهند.

یادداشت‌ها

۱. طبق اعلام مسئولان بانک مرکزی درآمدهای بانک که از محل کارمزد خدمات حاصل می‌شود در جهان معمولاً بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از کل درآمد بانک است؛ بنابراین بین ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد بانک‌ها از محل تسهیلات حاصل می‌شود؛ و چون در بانکداری متعارف تسهیلات به صورت ربوی اعطا می‌شود لذا می‌توان گفت غالب درآمدها در بانکداری ربوی حرام است. (<https://www.cbi.ir/showitem/20710.aspx>)
۲. خبرگزاری تسنیم به صورت مستند ۱۵۰ مورد اعتراض مراجع عظام تقلید طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ را گردآوری کرده است. (<https://tn.ai/1999188>)
۳. الهدنة و المعاهدة واحدة، و هو وضع القتال و ترک الحرب إلى مدة من غیر عوض.
۴. القسم الرابع هو ما لم یکن ضمن الکفار الذمیین و لا المعاهدین و لا الحربیین، و هم فی الحقیقه الحیادیون تماماً بالنسبة للمسلمین الذین یمكن تسمیتهم کفار الحیاد، و قد أشار إلیهم القرآن فی آیتین منه فیقول: «لَا يَنْهَ اَكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ فِی الدِّیْنِ وَ لَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِنْ دِیَارِكُمْ اَنْ تَبْرُوْهُمْ وَ تُقْسِطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ» (الممتحنة: ۸) و

فی مکان آخر يقول بعد الاشارة إلى الكفار الحربيين: «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ ... فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (النساء: ۹۰) و نظراً لأن المقصود بالقاء السلم اتخاذ طريق السلم لا عقد الصلح، لأن تعبير (القاء السلم) يناسب هذا المعنى، كما ان الآية التالية شاهد على هذا الموضوع عموماً فان الكافر الحيادي نفسه و ماله و عرضه محفوظ.

۵. البته به جز تألیف قلوب که یکی از مصارف زکات است و برای کفار استفاده می شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص. ۱۲۴).

۶. وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال: ۷۲).

7. Financial Action Task Force (FATF)
8. Terrorist Financing Convention (CFT)
9. Bank for International Settlements
10. Basel Capital Accord
11. Core Principles for Effective Banking Supervision
12. Core Principles Methodology
13. International Conference of Banking Supervisors
14. shahr-bank.ir/services/article/thumbnaill/79322/standalone/1/template/view_template/79322.htm
15. IFSB
16. banksepah.ir/upload/modules/articles/pdfs/67.pdf
17. cbi.ir/page/BaselCommittee_fa1.aspx

کتابنامه

- ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (جلد ۱)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- تقی زاده، خدیجه (۱۳۹۱). بانکداری اسلامی در برخی از کشورهای جهان، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی. ۱۲ (۱۳۹ و ۱۳۹)، ۴۷-۸۰.
- حسینی احمدفداله؛ سید محمد، ابوالفضل؛ قلیخانی، جعفر؛ و بلوردی، طیبه (۱۳۹۹). ابعاد حقوقی پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF). فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس. ۱۱ (۴۲)، ۷۸-۵۰.

- حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷). *العناوین الفقهیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة* (جلد ۲۲). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع* (جلد ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- رضایی برزگر، داود (۱۳۸۹). *عملیات بانکی بین‌المللی*. تهران: پیشبرد.
- رضوی، مهدی؛ و گلمرادی آدینه‌وند، حسن (۱۳۹۶). *بانکداری اسلامی بین‌المللی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رئیس‌دهکردی، شهرام؛ و شاهباز، ناصر (۱۳۹۴). *الزامات کفایت سرمایه در مقررات بال III و تطبیق آن در بانک‌های اسلامی، مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی، ۴۸-۸۶*.
- سپهر، محمد مهدی (۱۳۹۸). بررسی زوایایی از «اینستکس» و «اف‌ای‌تی‌اف» (INSTAX) و (FATF). *ماهنامه پیام*، ۱۲ (۱۳۳)، ۴۴-۶۱.
- شهید اول، محمد ابن مکی عاملی (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه* (جلد ۳، چاپ ۲). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- شهید اول، محمد ابن مکی عاملی (۱۴۱۹ق). *ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة* (چاپ ۱). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه* (جلد ۴، چاپ ۲). قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- صدر، سید محمد باقر (۱۴۳۱). *محاضرات تأسیسیة (موسوعه الشهید الصدر)* (جلد ۲۱، چاپ ۲). قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹). *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)* (جلد ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷-الف). *الخلافة* (جلد ۵، چاپ ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷-ب). *تهذیب الأحکام* (جلد ۲، چاپ ۴). تهران: دار الکتب الاسلامیة.

طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (جلد ۷، چاپ ۳). تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.

عزیزی، محمود؛ و شریفیان، جمشید (۱۳۹۹). بایسته‌های سوئفت و آسیب‌شناسی آن در حقوق تجارت ایران در پرتو تحریم. فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۴(۱۶)، ۷۰-۸۹.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی‌تا). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۲). پژوهشی در اباحه اموال کافران حربی از نگاه فقه شیعه. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۰(۳۴)، ۸۵-۱۰۸.

محقق‌حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (جلد ۴، چاپ ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

مصطفوی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱). القواعد- مائة قاعدة فقهیة (چاپ ۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

موسوی خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا). الطهارة (ط- الحدیث) (جلد ۳). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحین (جلد ۲). قم: مدینه العلم. فیاض کابلی، محمداسحاق (۱۴۲۶). المسائل المستحاثة. کویت: مؤسسه مرحوم محمد رفیع حسین.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). الفتاوی الجدیة (جلد ۱، چاپ ۲). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهیة (جلد ۲). قم: مدرسه امام امیر المؤمنین علیه‌السلام.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). أنوار الفقاهة (کتاب النکاح) (جلد ۱). قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). النکاح (جلد ۱). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام مهاجر میلانی، امیر (۱۳۹۸). احترام مالی کافر بی‌طرف. فصلنامه فقه و اصول، ۵۱(۱۱۷)، ۱۴۵-۱۶۶.

doi: 10.22067/jfu.v51i2.65655

میرجلیلی، حسین (۱۳۸۹). توسعه سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام (چاپ ۱). تهران: مرجع. نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (جلد ۲۳، چاپ ۷). بیروت:

- <https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=121#1355>
- Allama Hali, H, I, Y, I, M. (Bita). Tazkatat Foghaha. Qom: Al-Bayt Foundation, Peace be Upon Them.
- Alishahi Qala-e J, Abu al-Fadl (1392). A Study on the Depravity of the Property of Military Infidels from the Perspective of Shiite Jurisprudence. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 10 (34), 85-108.
- Azizi, M; & Sharifian, J; (1399). Swift Requirements and its Pathology in Iranian Commercial Law in the Light of Sanctions. *Journal of Research and Studies of Islamic Sciences*, 4 (16), 70-89.
- Fayyad Kabuli, M, I; (1426). Developmental Issues. Kuwait: Institute of the Late Mohammad Rafi Hussein
- Hosseini Ahmadfadala; S, A; Qolikhani, J; & Balvardi, T; (1399). Legal Aspects of Iran's Accession to the Financial Action Task Force (FATF). *Quarterly Journal of International Police Studies*. 11 (42), 78 -50.
- Hosseinie Maraghi, S Mir A, F, Ibn A; (1417). The Titles of Jurisprudence. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
- Hali, J, al-Din, A ibn M, A; (1407). The Civilized Market in the Brief Explanation of the Benefits (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom
- Har'amli, M, ibn H; (1409). Shiite Means (Vol 22). Qom: Al-Albayt Institute, Peace be Upon Them.
- Ibn Nadris, M ibn M, ibn A; (1410). Al-Sarai Al-Hawi for writing Fatwas (Vol 1), Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
- Makarmashirazi, N (1427). New Fatwas (Vol 1, Edition 2). Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib (Peace be Upon Him).
- Makarem Shirazi, N (1411). The Rules of Jurisprudence (Volume 2). Qom: School of Imam Amir al-Mu'minin, Peace be Upon Him.
- Makarem Shirazi, N (1425). Anwar al-Fiqh (Book of Marriage) (Vol 1). Qom: Madrasa of Imam Ali Ibn Abi Talib (peace be upon him).
- Makarmashirazi, N (1424). Marriage (Vol. 1). Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib (Peace be Upon Him)
- Mousavi Khomeini, S, R, M; (Bita). Purification (I- Hadith) (Vol 3). Qom: Institute for Organizing and Publishing the works of Imam Khomeini.
- Mousavi Khoii, S, A; (1410). Minhaj Al-Saleheen (Volume 2). Qom: City of Knowledge.
- Mohaqqeq al-Halli, N, J, ibn H; (1408). Sharia of Islam in the Issues of Halal and Haram (Vol 4, Edition 2). Qom: Ismaili Institute.
- Mohajer Milani, Amir (1398). Impartial Infidel Financial Respect. *Journal of Jurisprudence and Principles*, 51 (117), 145-166. doi: 10.22067 / jfu.v51i2.65655
- Mustafawi, S, M, K; (1421). Alghaved – Maete Ghaedeh Fiqi (Edition 4). Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Teachers Association.

- Mirjalili, H (1389). Political and Economic Development in the Islamic World (1st Edition). Tehran: Reference.
- Najafi, M, H; (Bita). Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam (Vol. 23, 7th edition). Beirut: Dar Al-Ihya' Al-Tarath Al-Arabi.
- Rezaei Barzegar, D; (1389). International Banking Operations. Tehran: Advance.
- Razavi, M; & Golmoradi Adinehvand, H; (2017). International Islamic Banking. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position).
- Raisi Dehkordi, S; & Shahbaz, N; (1394). Capital Adequacy Requirements in Ball III Regulations and Its Implementation in Islamic Banks, Proceedings of the 26th Islamic Banking Conference, 48-86.
- Sheikh Saduq, M ibn A; (1413). I do not Attend the Jurisprudent (Vol 4, Edition 2). Qom, Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
- Sepehr, M, M; (1398). Examining Angles from INSTAX and FATF (INSTAX and FATF). Monthly Message, 12 (133), 44-61.
- Shahid Sadr, S, M, B; (1431). Institutional lectures (Encyclopedia of Martyr Al-Sadr), Volume 21, Edition 2. Qom: Center for Research and Specialized Studies for Martyr Al-Sadr.
- Taghizadeh, K. (1391). Islamic Banking in Some Countries of the world, a Monthly Review of Economic Issues and Policies. 12 (139), 47-80.
- Tabatabai Yazdi, S, M, K; (1419). Alorvate Vosgha Fima Taem Be Alboloy (edition4). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
- The First Martyr, M, I, M, A. (1417). Sharia Courses in Imami Jurisprudence (Vol 3, Edition 2). Qom: Islamic Publications Affiliated with the Community of Teachers.
- The First Martyr, M, I, M, A. (1419). Dhikr al-Shi'ah in the Rules of Shari'a (Edition 1). Qom: Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them.
- Tusi, Abu J, M, ibn H; (1407-A). Contradiction (Vol 5, Edition 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers Association.
- Tusi, Abu J, M, ibn H; (1407-b). Tahdhib al-Ahkam (Vol. 2, 4th edition). Tehran: Islamic Books House.
- Tusi, M, ibn H; (1387). Enabling in Imami Jurisprudence (Vol 7, Edition 3).
- Tabatabai Yazdi, S, M, K; (1419). Alorvate Vosgha Fima Taem Be Alboloy (edition4). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.